

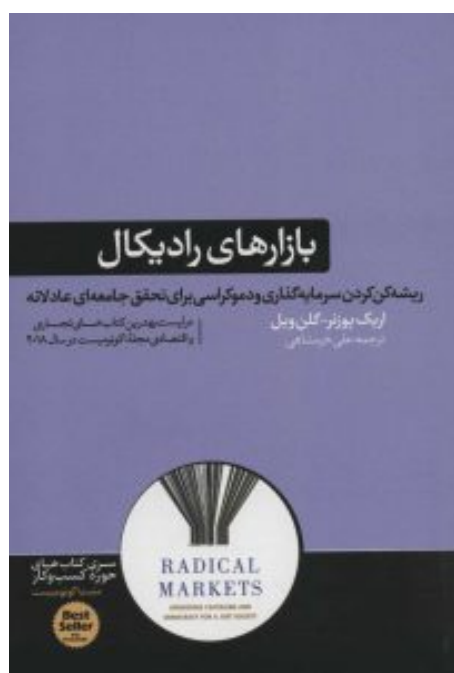
کتاب "بازارهای رادیکال"

بازارهای رادیکال

ریشه‌کن کردن سرمایه‌گذاری و دموکراسی برای تحقق جامعه‌ای عادلانه

نویسنده : اریک پوزنر، گلن ویل

مترجم : علی خرمشاهی



غلامحسین احمدی - وضعیت زندگی انسان در چند دهه اخیر با رشد نابرابری همراه بوده است. برای مثال در ایالات متحده از ۱۹۷۰ به این سو سهم یک درصد فوقانی صاحبان ثروت دوبرابر افزایش یافته است. این الگو با شدت متفاوت در کشورهای دیگر نیز تکرار شده است. وقوع بحران‌های مالی از جمله بحران مالی سال ۲۰۰۸ این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که چاره کار چیست؟ چرا لیبرال - دموکراسی که روزی «پایان تاریخ» خوانده شد، از نظر اقتصادی مشکل‌آفرین ظاهر شد و با دموکراسی به سلطه‌جویان اجازه تحرک بیشتری داد؟ پوزنر و ویل در این کتاب به ما نشان می‌دهند که چگونه نبود اندیشه‌های اقتصادی نو به وضع کنونی انسان منجر شده است. به اعتقاد نویسندگان این کتاب، توان نظریه‌های اقتصادی چپ و راست تحلیل رفته و پاسخگوی نیازهای انسان امروز نیست. اندیشه چپ با سقوط شوروی ناتوانی خود در برآورده کردن نیازهای انسان را اثبات کرد و همچنین اندیشه راست حتی از پایبندی به ارزشهای خود نیز ناتوان است. از همین‌رو

نویسندگان کتاب، با الگوگیری از فعالیت نوابغ اقتصادی پیش از خود و توجه به ارزشهای اصلی اندیشه‌های چپ و راست که امروزه نادیده گرفته می‌شوند، راهکار عملی خود مبنی بر ایجاد و توسعه «بازارهای رادیکال» را مطرح می‌کنند.

بخشی از کتاب:

هنگامی که نابرابری در حال رشد باشد، مردم کشورهای ثروتمند، برزیل را در کشور خود خواهند دید. در کشورهای ثروتمند هم اقتصادها راکد و کشمکش‌های سیاسی و فساد در حال رشد است. این عقیده‌ی به جا مانده که یک کشور در حال توسعه مثب برزیل، نهایتاً به کشوری توسعه یافته مثل آمریکا تبدیل خواهد شد، مورد موشکافی قرار گرفته و مردم در فکر این هستند که شاید اوضاع دارد معکوس پیش می‌رود. در همین حال، الگوهای تجویزی اصلاح هم همان‌هایی هستند که در نیم قرن گذشته بوده اند؛ افزایش مالیات و بازتوزیع، تقویت بازارها و خصوصی‌سازی، یا بهبود حکمرانی و تخصص‌گرایی.

در این ریو، این نسخه‌ها به وضوح کهنه شده اند. فقر، کنترل متمرکز و فشرده زمین و کشمکش‌های سیاسی به نظر رابطه تنگاتنگی با هم دارند. زاغه نشین‌ها به زمینی چنگ زده اند که می‌توانست محل یک پارک عمومی، یک منطقه محافظت شده‌ی طبیعی یا مسکن‌های مدرن باشد. زمین مرکز شهر، جایی که زاغه نشین‌ها می‌توانند به شکل مطلوب زندگی کنند و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشند، در انحصار ثروتمندان است، کسانی که آنقدر از جرم و جنایت هراسناک اند که نمی‌توانند از شرایط خود لذت ببرند. به نظر همین کنترل متمرکز ثروت که زاینده نابرابری است، سیاست را فاسد کرده و جلوی نوآوری در کسب و کار را گرفته است. طبق گفته بانک جهانی، از نظر سهولت ایجاد کسب و کار، برزیل بین کشورهای آخر است.